

# مهاجرت و کمیته‌ی دفاع ملی

• حسن اصغری

است و رهرو می‌طلبید. البته نبود پژوهشگران جدی و حرفه‌ای در این زمینه‌ها، ناگزیر دست نویسندگان غیرحرفه‌ای است که بالا می‌رود تا گام در جاده گذارند و به چیزی نظر اندازند که مشغله‌ی ذهنی‌شان نیست. ما البته در هیچ زمینه‌ی فرهنگی آدم حرفه‌ای به معنای واقعی کلمه نداریم و همه خارج از حرفه‌ی خویش راه می‌روند و گاه‌گاه از باب تفنن یا نیاز مقطعی، قلم می‌چرخانند و بعد غلاف می‌کنند.

مهاجرت و تشکیل «کمیته‌ی دفاع ملی» یکی از وقایع مهم و حرکت‌ساز تاریخ انقلاب مشروطیت است. مهاجرت میلیون از تهران به قم و کرمانشاه که به تشکیل شورایی به نام «کمیته‌ی دفاع ملی» منجر شد. با تشکیل این کمیته، دولتی در دولت ایران پدید آمد و اعلام کرد که «کمیته دفاع ملی» برای مقابله با تجاوز لشکریان دو دولت روسیه و انگلیس ایجاد شده است. در این تاریخ یعنی ۱۹۱۵ لشکریان دولت روسیه تزاری و امپراتوری بریتانیا در برخی نقاط ایران از جمله قزوین و بوشهر و شیراز ورشت و چند ماه بعد در همدان و کرمانشاه و کاشان پایگاه‌نظامی ایجاد کرده بودند و دولت مرکزی نیز قادر به دفاع و واکنش سیاسی در مقابل دو دولت متجاوز نبود.

در آغاز «کمیته‌ی دفاع ملی» در قم به ریاست سلیمان میرزا اسکندری رهبر حزب دموکرات پدید آمد و چند ماه بعد ترکیب رهبری کمیته تغییر پذیرفت و میرزا محمدصادق طباطبایی رهبر حزب اعتدالیون و مدرس لیدر هیأت علمیه در کادر رهبری آن وارد شدند.

پس از حمله‌ی انقلابیون «کمیته ستار» رشت به تهران و فتح پایتخت و فرار محمدعلی شاه قاجار به روسیه و استقرار نظام مشروطه پارلمانی در ایران، دو حزب دموکرات و اعتدالیون از دو جناح مشروطه طلب با دو پایگاه مادی و اجتماعی و فرهنگی زاده شدند و گسترش یافتند و نمایندگان‌شان نیز با گزینش مردم، وارد مجلس شورای ملی شدند. این دو حزب بنا به مواضع سیاسی و اجتماعی خود در آغاز در مقابل یکدیگر ایستادند و گاه‌گاه درگیری‌شان منجر به اعمال تروریستی بر ضد شخصیت‌های برجسته‌ی وابسته به دو حزب شدند.

حزب دموکرات عموماً از هسته‌های انجمن «اجتماعیون و عامیون» و انجمن‌های غیبی تبریز و آذربایجان مستقر در تهران و انجمن‌های کوچک آزادی‌خواه رشت و انزلی و «انجمن دروازه قزوین» میرزا سلیمان خان می‌کده شکل گرفت.

انجمن‌های مردمی در آغاز جنبش مشروطیت، در تهران به کوشش شخصیت‌های مردم‌گرا و آزادی‌خواه هم‌چون حیدرخان عمو اوقلی و میرزا سلیمان خان می‌کده و سید محمد مساوات و بعدها تقی‌زاده و ابوالفتح‌زاده و منشی‌زاده و ده‌ها نفر دیگر پدید آمده بود. این انجمن‌ها نقش بنیادی در حرکت‌های انقلاب مشروطیت داشتند و در تعمیق خواسته‌های مشروطه‌طلبان، نیروی محرکه بودند.

مرام‌نامه و اهداف حزب دموکرات، کلیاتی از مرام‌نامه و اهداف سیاسی و اجتماعی احزاب

می‌توان گفت که انقلاب مشروطیت در تاریخ دو هزار و پانصد ساله، بزرگ‌ترین حادثه‌ی تاریخی تحول‌ساز ایران بوده است. متأسفانه پژوهشگران ما تاکنون به ریشه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی زمینه‌ساز این انقلاب نپرداخته‌اند و تحلیلی موشکافانه و روشنگرانه از آن ارائه نداده‌اند. با توجه به اسناد و مدارک وقایع‌نگارانه موجود، می‌توان درباره‌ی حوادث و رویدادها و مواضع سیاسی و اجتماعی شخصیت‌ها و بازیگران دوران انقلاب مطلب نوشت و کتاب تدوین کرد، اما تکرار و بازنگاری وقایع و اعمال و رفتار شخصیت‌های نقش‌دار در وقایع انقلاب، هیچ تأثیری در گشایش زوایای تاریک و پنهان و هنوز کشف نشده‌ی تحولات انقلاب ندارند و چراغی هرچند کم‌سو بر تاریکی‌ها نمی‌افکنند. شاهدیم که نویسندگان و پژوهشگران در چند دهه‌ی اخیر به بازنگاری وقایع انقلاب مشروطیت دست زده‌اند، اما دیده‌ایم که آثار اینان حتا قدرت القا و ارائه حوادث نگاشته شده‌ی مرجع، شخصیت - هفتاد سال پیش وقایع‌نگاران را نیز ندارند و نوعی بازنگاری و تکرار کم‌رنگ و کم‌قوت کتاب‌های گذشته‌اند. ارائه اطلاعات تاریخی دست سوم و چهارم، بدون نگاه ژرف کاوانه به زمینه‌های شالوده‌ای، هیچ روزنه‌ای نومی‌گشایند.

به نظر من با اتکا به نظرگاه فلسفه‌ی تاریخ و با شناخت زیرساخت‌های اقتصادی و موقعیت تاریخی و روساخت‌های فرهنگی در مقطع ویژه‌ی اواخر دوره‌ی انقلاب می‌توان به بازیابی زمینه‌های وقایع انقلاب مشروطیت دست یافت. نقش جناح‌ها و احزاب و جمعیت‌های سیاسی و فرهنگی و آرایش طبقاتی و نقش روحانیون و دخالت کشورهای بیگانه از جمله روسیه و انگلیس و آلمان و عثمانی و تاحدودی فرانسه، هر کدام نیاز به نگارش و تدوین کتابی قطور دارند که هنوز کسانی آستین بالا نزده‌اند و جاده خالی



هیأت حکومت موقتی مهاجرین



سوسیال دموکرات کشورهای اروپایی و روسیه اخذ شده بود. اسناد و مدارک و اظهارنظرها تاءکید دارند که شخصیت‌های آزادی‌خواه ایرانی، اصطلاح سیاسی «سوسیال دموکرات» را معادل «عامیون و اجتماعیون» ترجمه کرده بودند. به عنوان مثال، علی مسیو که پایه‌گذار انجمن «عامیون و اجتماعیون» تبریز بود و بعدها انجمن غیبی و انجمن آذربایجان را ایجاد کرد، گرایشات سوسیالیستی داشت و با سوسیال دموکرات‌های روسیه در ارتباط بود و با حزب سوسیالیستی همت باکو به رهبری دکتر نریمان نریمان اف میادلات فرهنگی و مسلکی داشت. البته نخستین انجمن عامیون و اجتماعیون در تهران و مشهد به کوشش حیدرخان عمو اوقلی پدید آمد و در درشت و انزلی نیز شعبه دایر کرد.

هسته‌های نخستین حزب اعتدالیون نیز در آغاز حرکت مشروطه‌خواهی مردم تهران به شکل انجمن‌های کوچک و پراکنده با کوشش تجار و روحانیون آزادی‌خواه و شاهزادگان ناراضی و برخی دیوانیان محافظه‌کار و میانه‌رو و فرزندان برخی فئودال‌های تحصیل کرده و لیبرال مسلک ایجاد شده بود. می‌توان گفت که مرکز فرماندهی و مسلکی حزب اعتدالیون در دست سید محمد طباطبایی بود که یک روحانی آزاداندیش و آزادی‌خواه بود و در انقلاب مشروطیت نیز نقش اساسی داشت. پسر این روحانی سید محمد صادق طباطبایی دبیر کل حزب اعتدالیون شد و با راهنمایی و تشویق پدر و با یاری عده‌ای از روحانیون از جمله بهبهانی، تجار و زمین‌داران کوچک حزب رامی‌گرداند. حزب اعتدالیون شاهزاده فرمانفرما و سپه‌دار تنکابنی و سردار معظم خراسانی بعدها تیمور تاش را که هر سه از فئودال‌های بزرگ و ناراضی از دربار بودند را نیز به سوی اهداف سیاسی و اجتماعی خود جلب کرد و از پشتیبانی آنان در حاکمیت پس از پیروزی مشروطه‌طلبان بهره‌ی فراوان گرفت.

دبیر کل حزب دموکرات در آغاز فعالیت‌اش، حیدرخان عمو اوقلی بود و دبیر دوم تقی زاده. مساوات و سلیمان میرزا اسکندری و میرزا سلیمان میکده و تربیت وده‌ها شخصیت مردمی در رهبری این حزب نقش فعال داشتند.

در کنار این دو حزب فراگیر و متشکل، گروهی تحت عنوان «هیأت علمیه» فعالیت می‌کرد که در واقع یک جمعیت مسلکی سوم بود و رهبرانش اغلب روحانیون بودند و بعدها مدرس، گرداننده‌ی فکری اصلی‌اش شد. پس از استقرار نظام پارلمانی در ایران این دو حزب، بنا به ماهیت مسلکی و طبقاتی و برنامه‌ها و اهداف سیاسی و اجتماعی‌شان نتوانستند در کنار هم به رقابت سیاسی صلح‌آمیز ادامه دهند و با برخوردهای تند در مقابل یکدیگر ایستادند. شاخه‌های نظامی این دو حزب دست به ترور رهبران یکدیگر زدند. برجسته‌ترین رهبران دو حزب که به وسیله‌ی شاخه‌های نظامی آنان ترور شدند، سید عبدالله بهبهانی که وابسته به حزب اعتدالیون بود و میرزا علی محمدخان تربیت که از رهبران حزب دموکرات بود. درگیری دو حزب و ترور عده‌ای از رهبران باعث تبعید دوتن از رهبران حزب دموکرات، حیدرخان عمو اوقلی و تقی زاده از ایران شد.

با خروج اجباری حیدرخان و تقی زاده، رهبری حزب دموکرات به دست سلیمان میرزا اسکندری افتاد. اما رهبری حزب اعتدالیون هم چنان در دست محمدصادق طباطبایی فرزند محمد طباطبایی باقی ماند و در حاکمیت سیاسی نیز قدرتش تحکیم شد.

کشمکش سیاسی و ایدئولوژیک این دو حزب از سال ۱۹۰۸ تا سال ۱۹۱۵ ادامه داشت و تشکیل دولت‌ها و سقوط آنان گاه با گرایش به حزب دموکرات و گاه به حزب اعتدالیون شکل می‌گرفت. البته جمعیت «هیأت علمیه» عموماً به حزب اعتدالیون گرایش داشت و در مجلس نیز از مواضع اعتدالیون پشتیبانی می‌کرد. فرمانفر و تا حدودی وثوق الدوله و سپه‌دار تنکابنی با یاری حزب اعتدالیون چند دوره کابینه تشکیل دادند که همواره از سوی حزب دموکرات و نمایندگان‌شان در مجلس با مخالفت روبه‌رو می‌شدند. سردار اسد بختیاری و مستوفی‌الممالک همواره به حزب دموکرات گرایش داشتند و مستوفی چند بار با کمک و یاری حزب دموکرات دولت تشکیل داد.

### ◆ حرکت ملیون در آن شرایط تاریخی اگر چه شکست خورد، اما نقش برجسته‌ی ایستادگی و مقاومت و سرافرازی را در تاریخ انقلاب مشروطیت باقی گذاشت تا برای آیندگان به عنوان میراث ملی باقی بماند.

اغلب رهبران و اعضای حزب دموکرات فرزندان تجار کوچک و پیشه‌وران و کارمندان دولت و فرزندان زمین‌داران کوچک به فرنگ رفته و تحصیل‌کردگان دارالفنون بودند. حیدرخان عمو اوقلی که در آغاز تشکیل حزب، رهبری آن را به عهده داشت، مهندس برق بود و در روسیه تحصیل کرده بود و کارخانه‌ی برق سرمایه‌دار معروف و مشروطه‌طلب امین‌الضرب را می‌گرداند و از امین‌الضرب حقوق دریافت می‌کرد. تقی زاده و مساوات و تربیت و میکده از فرزندان تجار کوچک بودند. حزب دموکرات در مدت چند سال توانست بسیاری از فرهیختگان فرهنگی و اهل قلم و تحصیل‌کردگان داخلی و خارجی و پیشه‌وران و کارگران کارگاه‌های کوچک و حتا تجار آزادی‌خواه را به سوی اهداف اجتماعی و سیاسی خود جلب کند.

در سال ۱۳۳۳ هجری قمری مصادف با ۱۹۱۴ مجلس سوم به فرمان احمدشاه گشایش یافت. مجلس سوم با ترکیب نمایندگان برگزیده‌ی مردم و با توجه به مشارکت احزاب و گروه‌های اجتماعی و سیاسی و حضور فعال آنان در مجلس، نمایی از چهره‌ی دموکراسی پارلمانی را به نمایش می‌گذارد. ترکیب نمایندگان مجلس سوم نشان‌دهنده‌ی گرایشات سیاسی و اجتماعی و آرایش مواضع طبقاتی جامعه آن روزی ایران است. ۳۱ نماینده‌ی حزب دموکرات و ۲۳ نماینده‌ی حزب اعتدالیون و ۱۴ نماینده‌ی هیأت علمیه و ۱۱ نماینده‌ی بی‌طرف و یک نماینده‌ی حزب دانشناکسیون در مجلس سوم حضور داشتند. نمودار زیر سندی است از واقعیت جامعه‌ی ایران در سال ۱۹۱۴ یعنی ۸۸ سال پیش که مورخ الدوله سپهر در کتاب «ایران در جنگ بزرگ» در سال ۱۳۳۶ آورده است.

از سال ۱۲۸۸ یعنی ۹۶ سال پیش که «کمیتة ستار» مستقر در رشت تصمیم گرفت برای حمله به تهران و تصرف پایتخت اقدام کند، دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس به وسیله‌ی سفرا و نمایندگان



## وکلاي دورهي سوم مجلس شوراي ملي

آصف الممالک (ميرزا حسين خان) کرمان - اعتدالي  
 ابراهيم (آقا شيخ زنجاني) خمسه - دموکرات  
 احتشام السلطنه (ميرزا محمودخان) تهران - چون سفير اسلامبول بود قبول نکرد.  
 اديب السلطنه (ميرزا حسين خان) رشت - دموکرات  
 اسدالله (حاجي سيد) قزوین - هيات علميه  
 اسدالله (حاجي شيخ) محلات و کمره - هيات علميه  
 اسدالله (آقاسيد چهار سوقی) اصفهان - اعتدالي  
 اسدالله (حاجي ميرزاخان) کردستان - بي طرف  
 اسماعيل حاجي شيخ رانکوه - هيات علميه  
 اعزاز السلطنه کردستان - بي طرف  
 امام جمعه (حاجي ميرزا يحيى خويي) وکيل علمای نجف - هيات علميه  
 امان الله (آقاسيد) بههان - هيات علميه  
 امير مؤيد (اسماعيل خان مازندراني) ساری - بي طرف  
 امير نظام (عبدالله خان حاجي) همدان - بي طرف  
 تقی زاده (سيد حسن) تهران - دموکرات  
 حبيب الله (شيخ) ترميز - دموکرات  
 حسن (سيد مدرس قمشه) تهران - هيات علميه  
 حسين (حاجي ميرزا) کرمانشاه - هيات علميه  
 حسين (شيخ استرآبادي) استرآباد - دموکرات  
 حسين (حاجي ميرزاخان ناييني) اصفهان - بي طرف  
 حسين (شيخ خوانساري) خوانسار - بي طرف  
 حسين (سيد کزازی) کرمانشاه - دموکرات  
 حسين (شيخ يزدي) تهران - بي طرف  
 حسين (قلی اکبر خان) سمنان - اعتدالي  
 حسين قلی خان (نواب) تهران - دموکرات  
 حشمت الممالک لار - دموکرات  
 خان بابا خان فارس - دموکرات  
 ذکاء الملک (ميرزا محمد عليخان فروغی) تهران - بي طرف  
 رضا (سيد فيروزآبادي) شاه عبدالعظيم و غار و قشاقويه - هيات علميه  
 رفعت الدوله سيرجان - دموکرات  
 سالار معظم (ميرزا محمد عليخان) بروجرد و خرم آباد - به مجلس وارد نشد.  
 سپهدار اعظم (محمد ولي خان) خمسه - اعتدالي  
 سردار سعيد (يار محمدخان افشار) بجنورد - بي طرف  
 سردار معتمد (ميرزا صادق خان) رشت - اعتدالي  
 سردار معظم فرج الله خان کردستان - بي طرف  
 سردار معظم (ميرزا عبدالحسين خان تیمورتاش) قوچان - اعتدالي  
 سلطان العلماء (حاجي آقا علي اصغر) بروجرد - هيات علميه  
 سليمان خان نايين - اعتدالي  
 سليمان ميرزا اصفهان - دموکرات  
 سهم الملک (حاجي) عراق - اعتدالي  
 شريعتمدار بروجرد - بي طرف  
 شريف العلماء ساری - بي طرف  
 شمس الدين (حاجي ميرزا) عراق - هيات علميه  
 شيخ الملک (شيخ حسن خان) سيرجان - اعتدالي  
 صدرالملک (ميرزا حسام الدين خان) فسا - اعتدالي  
 صدرالممالک وکيل ايل بختياري - بي طرف  
 طاهر ميرزا مشهد - اعتدالي

طاهر (ميرزا تنکابني) مشهد - اعتدالي  
 عباس ميرزا تهران - دموکرات  
 عدل الملک (حاجي ميرزا امان الله خان) کرمانشاه - دموکرات  
 عزالممالک (حاجي ميرزا امان الله خان) کرمانشاه - دموکرات  
 علي (شيخ صدرالاسلام) خمسه - دموکرات  
 علي رضا (حاجي ميرزا) قم - اعتدالي  
 عمادالسلطنه مشهد - دموکرات  
 غلامحسين (حاجي ميرزا)  
 فاضل (سيد کاشي) شاهرود - هيات علميه  
 قاسم (ميرزاخان تبريزي) ساوجبلاغ و شهریار - اعتدالي  
 قوام الدوله (شکرالله خان) نجف آباد - اعتدالي  
 کيخسرو (ارباب شاهرخ) وکيل زردشتيان - بي طرف  
 لقمان (دکتر) وکيل کليميان - دموکرات  
 ميصرا الملک (ميرزا محمودخان) طبرس و گن آباد - اعتدالي  
 محمد (حاجي معين التجار بوشهري) بوشهر - بي طرف  
 محمد (سيد رضوي) شيراز - هيات علميه  
 محمد (شيخ شيخي) ملایر و نهاوند و تويسرکان - هيات علميه  
 محمد (ميرزا نجات) بيرجند - دموکرات  
 محمدحواد (شيخ بلورفروش) مشهد - دموکرات  
 محمدحسن (شيخ گروسی) گروس و بيجار - بي طرف  
 محمدرضا (سيد مساوات) تهران - دموکرات  
 محمدصادق (ميرزا طباطبائي) تهران - اعتدالي  
 محمدعلي (شيخ) گلپايگان و خونسار - بي طرف  
 محمدعلي (ميرزاخان کلوب فرزين) همدان - دموکرات  
 محمدهاشم ميرزا نيشابور - دموکرات  
 مدحت السلطنه بندرعباس - اعتدالي  
 مرات السلطان (محمد مهدي ميرزا) کرمانشاه - دموکرات  
 مستوفي الممالک (ميرزا حسن خان) تهران - مایل به دموکرات  
 مشارالدوله شيراز - دموکرات  
 مشار السلطنه (ميرزا اسدالله خان) تهران - اعتدالي  
 معتصم السلطنه (ميرزا سيد مهدي خان) تربت حيدري - دموکرات  
 معذل الدوله (ميرزا منصورخان) سيستان - اعتدالي  
 ملک الشعرا (بهار) در جزو کلات - دموکرات  
 منتصر السلطان (ميرزا صادق خان) بارفروش - دموکرات  
 مهذب الدوله (حاجي) شيراز - بي طرف  
 مومن الملک (ميرزا حسين خان) تهران - بي طرف  
 مويذالاسلام کرمان - دموکرات  
 ميرزا يانس (يوسف) وکيل ارامنه - دانشناکسيون  
 ناصرالاسلام (سيد يحيى) لاهيجان - اعتدالي  
 نجف قلبي ميرزا ملایر و نهاوند و تويسرکان - اعتدالي  
 نصرالله (حاجي سيد اخوي) تهران - بي طرف  
 نظام السلطان (غلامعلي خان) بارفروش - بي طرف  
 هاشم (ميرزا آشتياني) تهران - هيات علميه  
 وحيدالملک (ميرزا عبدالحسين خان) تهران - دموکرات  
 وقارالسلطنه (ميرزا اورنگ) ايلات خمسه فارس - بي طرف  
 وکيل التوليه (نواب) يزد - اعتدالي  
 يحيى (آقا شيخ) کرمان - دموکرات  
 يمين الملک خرم آباد - به مجلس وارد نشد.  
 يوسف (حاجي شيخ) شيراز - هيات علميه





میرزا سلیمان خان میکده

خود در ایران بی دریی به رهبران ملی «کمیته ستار» هشدار می دادند که به تهران حمله نکنند و در اندیشه‌ی تصرف پایتخت نباشند. اما رهبران ملیون و «کمیته ستار» رشت به هشدارهای دودولت استعمارگر توجه نکردند و با قشون شبه نظامی خودبه سوی تهران حرکت کردند و پس از تصرف قزوین به تهران حمله کردند و محمدعلی شاه قاجار به

سفارت روسیه پناهنده شد. اما دولت‌های استعمارگر، ارتش‌های خود را وارد خاک ایران در طول خیزش‌های انقلابی مردم در یک دهه، همواره مانند لبه‌ی دو شمشیر تهدیدآمیز بالاسر رهبران ملی و انقلابی قرار داشتند. سفرا و نمایندگان سیاسی روس و انگلیس در تهران برای پیشبرد مقاصد سیاسی استعماری دولت‌هایشان پی در پی لبه‌های شمشیرشان را نشان می دادند که تسلیم فرمایشات و خواسته‌هایی ما باشید. در سال ۱۹۱۵ یک سپاه بیست هزار نفری خود را وارد قزوین کرد و به قشون دو هزار نفری روسیه به فرماندهی ژنرال بارتوف در بندر انزلی پیاده شد. این ارتش مجهز به مدرن‌ترین سلاح یعنی ماشین‌های زره‌پوش دار بودند. ژنرال بارتوف ارتش بیست هزار نفری روسیه که چندین سال بود در قزوین مستقر بودند، پیوست. ارتش انگلیس نیز در جنوب، بندر بوشهر را تصرف کرد و به سوی شیراز پیش آمد. در این هنگام دولت روسیه، برای تصرف یا تهدید آزادی خواهان، یک قشون دو هزار نفری را از قزوین حرکت داد و در کرج مستقر کرد و هشدار داد که به تهران حمله می کند. بهانه‌ی دولت‌های روس و انگلیس، روابط حسنه میان دولت‌های آلمان و عثمانی با ایران بود. در این زمان دولت مستوفی الممالک که به حزب دموکرات گرایش داشت و برخی از رهبران این حزب در کابینه‌اش پست‌های وزارت داشتند، بر سر کار بود و میرزا سلیمان میکده هم که از رهبران حزب دموکرات بود، پست معاونت نخست وزیر را داشت. دولت مستوفی الممالک در جنگ روسیه و انگلیس با آلمان و عثمانی اعلام بی طرفی کرده بود، اما دولتمن روس و انگلیس به بهانه‌ی نفوذ عوامل آلمان در ایران و طرفداری رهبران ملی از سیاست‌های آلمان و عثمانی، بی طرفی دولت ایران را نپذیرفتند.

◆ اغلب رهبران و اعضای حزب دموکرات فرزندان تجار کوچک و پیشه‌وران و کارمندان دولت و فرزندان زمین داران کوچک به فرنگ رفته و تحصیل کردگان دارالفنون بودند.

شاه می روند و پیشنهاد می کنند که مجلس شورای ملی سوم را منحل اعلام کند. آنان با لحنی تهدیدآمیز به احمد شاه می گویند که سلسله‌ی قاجار در خطر است. البته احمد شاه خواسته‌های سفرا را نمی پذیرد.

دولت‌های روس و انگلیس برای این که به مقاصد سیاسی خود دست یابند، یک قشون دو هزار نفری را که مجهز به ماشین‌های زره‌دار و توپخانه مدرن بود، وارد بامک کرج کرده و اعلام می کنند که به زودی تهران را تصرف خواهند کرد. احمد شاه و دربار او به

◆ به نظر من با اتکاب به نظرگاه فلسفه‌ی تاریخ و با شناخت زیرساخت‌های اقتصادی و موقعیت تاریخی و روساخت‌های فرهنگی در مقطع ویژه‌ی اواخر دوره‌ی انقلاب می توان به بازیابی زمینه‌های وقایع انقلاب مشروطیت دست یافت.

ظاهر اعلام آمادگی می کنند که از تهران خارج شوند و به اصفهان بروند. فرمانفرما و عین الدوله و سپهدار و درباریان بانفوذ دیگر، برای جلوگیری از مهاجرت شاه تلاش کردند و حتا با سفرای روس و انگلیس وارد مذاکره شدند که سرانجام نیز به نتیجه رسیدند و سفرای روس و انگلیس قول دادند قشون‌شان را وارد پایتخت نکنند. احمد شاه و درباریان او نیز از فکر مهاجرت به اصفهان منصرف شدند. البته این مساله زمانی بود که بسیاری از رهبران ملی و نمایندگان برگزیده‌ی مردم و احزاب دموکرات و اعتدالیون و هیات علمیه از تهران مهاجرت کرده و در قم مستقر شده بودند. در واقع می توان گفت که اهداف و مقاصد سیاسی دولت‌های روس و انگلیس و دربار قاجار برای بیرون راندن نیروهای ملی و احزاب آزادی خواه و نمایندگان مردم از تهران و خالی کردن صحنه‌ی سیاسی از ملی‌گرایان و آزادی خواهان به نتیجه رسیده بود. در همین زمان مستوفی الممالک به قصر فرح آباد رفت و استعفای کابینه‌اش را به احمد شاه داد که شاه نیز استعفا را پذیرفت. احمد شاه بلافاصله، شاهزاده فرمانفرما را مأمور تشکیل دولت کرد. فرمانفرما نیز کابینه‌اش را به شاه معرفی کرد:

- ۱- شاهزاده فرمانفرما رییس الوزرا و وزیر داخله.
- ۲- سپهدار وزیر جنگ.
- ۳- شاهزاده شهاب الدوله وزیر علوم.
- ۴- سردار منصور وزیر پست و تلگراف.
- ۵- شاهزاده صارم الدوله وزیر فوائد عامه.
- ۶- علاء السلطنه وزیر عدلیه.
- ۷- مشاور الممالک وزیر امور خارجه.

مجلس سوم در این زمان عملاً تعطیل شده بود و شاهزادگان وابسته به دربار نیز در راس دولت قرار گرفته بودند و نیروهای ملی و ضد استعماری نیز از پایتخت مهاجرت کرده بودند. مهاجرین ملی که در قم مستقر شده بودند، بیش از سیصد نفر بودند که روز به روز نیز بر عده‌شان افزوده می شد. در قم با تلاش رهبران حزب دموکرات «کمیته دفاع ملی» تشکیل شد و اعضای



◆ تغییرات کیفی جامعه را در پی تغییرات کمی آن ناگزیر، و آن را «رستاخیز» می‌نامید و رستاخیز را منشاء برکات و فیوض اجتماعی می‌دانست.

مرکزی کمیته نیز اعلام گردید:

- ۱- سلیمان میرزا اسکندری دبیر کمیته.
- ۲- سیدمحمد رضا مساوات.
- ۳- میرزا محمد علیخان کلوب.
- ۴- وحیدالملک شیبانی.

«کمیته دفاع ملی» گروه‌هایی را به ولایات ایران فرستاد تا مردم را بسیج کنند و برای جنگ با ارتش‌های روس و انگلیس آماده نگاه دارند. شویمان کنسول آلمان که

در کرمانشاه بود به قم آمد و باب کمک دولت آلمان به مهاجرین را گشود. فرستادگان آلمان پول و اسلحه و افسران آموزش دیده‌ی آلمانی را نیز در اختیار شبه‌نظامیان کمیته دفاع ملی یعنی امیرحشمت قرار دادند که از رهبران حزب دموکرات و از کوشندگان آغاز خیزش مشروطه‌خواهی بود. رهبران کمیته‌ی دفاع ملی امیرحشمت را به فرماندهی دو هزار شبه‌نظامی کمیته گماردند. امیرحشمت مأمور شد که برای تصرف پایتخت حرکت کند. قشون امیرحشمت با فرماندهان با سابقه‌ای هم چون سردار محیی (معزالسلطان) سرهنگ ابوالحسن خان زند که با گروهی از ژاندارم‌های دولتی به کمیته دفاع ملی پیوسته بود و سرتیپ قزاق ابوالفتح زاده و سرهنگ قزاق منشی زاده و احسان‌الله خان دوستدار و عده‌ای دیگر که سابقه‌ی جنگ با قوای محمدعلی شاه و مستبدین داشتند، تشکیل شده بود. حاجی خان پسر علی مسیون نیز جزو فرماندهان قشون امیرحشمت بود که در جنگ رباط کریم به دست قشون روس کشته شد. دو برادر او نیز قبلاً در تبریز به دست روس‌ها به دار آویخته شده بودند.

ارتش پنج هزار نفری روس با زره‌پوش‌ها و توپخانه‌ی مدرن در رباط کریم به قشون شبه‌نظامی دو هزار نفری «کمیته دفاع ملی» حمله آورد. جنگ رباط کریم از سپیده‌ی صبح آغاز شد و تا پاسی از شامگاه به طول انجامید. روس‌ها با توپ سنگرهای میلیون‌ها را می‌کوبیدند. در این جنگ صدها تن از شبه‌نظامیان «کمیته دفاع ملی» کشته و بیش از صد نفر اسیر شدند.

امیرحشمت پس از شکست رباط کریم به همراه یک هزار شبه‌نظامی که از رباط کریم گریخته بودند به اتفاق منتصرالدوله گیلانی به اصفهان رفتند. پس از شکست‌های پیاپی قشون حزب دموکرات و میلیون از قوای روس و انگلیس، نظام‌السلطنه به همراه کوچندگان حزب اعتدالیون و عشایر ایل سنجایی و ژاندارم‌ها، دولتی در کرمانشاه به نام «توده‌ی ایران» تشکیل داد که وزرایش عبارت بودند:

- ۱- نظام‌السلطنه نخست‌وزیر.
- ۲- ادیب‌السلطنه سمیعی شاعر و ادیب گیلانی و دموکرات وزیر داخله.
- ۳- صور اسرافیل وزیر پست و تلگراف.
- ۴- میرزا محمدعلی خان کلوب وزیر مالیه.
- ۵- مدرس وزیر عدلیه و اوقاف.
- ۶- سردار لشکر وزیر جنگ.
- ۷- حاجی عزالملک خزانه‌دار.

چند ماه بعد با ورود دموکرات‌ها به کرمانشاه، ترکیب و اعضای

کابینه نظام‌السلطنه تغییر کرد:

- ۱- نظام‌السلطنه رییس قوه مجریه و نظام اعتدالیون.
- ۲- سالار معظم خراسانی وزیر خارجه اعتدالیون.
- ۳- میرزا محمدعلی خان کلوب دموکرات وزیر مالیه.
- ۴- سلیمان میرزا اسکندری دموکرات وزیر داخله.
- ۵- حاج اسماعیل رشتی وزیر معارف.
- ۶- وحیدالملک دموکرات وزیر پست و تلگراف.
- ۷- سیدعبدالمهدی اعتدالیون وزیر عدلیه.

روس‌ها پس از پیروزی در رباط کریم اعلامیه‌ی زیر را انتشار دادند: «۱۹۱۵ به طوری که فرماندهی قشون امپراطوری اطلاع می‌دهد روز یکشنبه ۱۱ صفر قشون امپراطوری ساوه را تصرف نمود، اشرار و مفسدینی که بر ضد پادشاه قانونی و دولت شاهنشاهی قیام نموده بودند، فرار اختیار کرده مقتولین و مجروحین خود را در میدان بجا گذاشتند. تعاقب اشرار دوام داشت. دیروز تمام توابع و اطراف قم توسط قشون امپراطوری اشغال شد.»

اطلاعه‌ی فوق واقعیتی تاریخی را نشان می‌دهد که چگونه قشون روسیه در ایران برای حفظ نظام شاهنشاهی و دربار قاجار در مقابل مردم ایران می‌ایستاد و کشتار می‌کرد تا منافع استعماری خودش را در ایران حفظ کند.

ارتش‌های روسی و انگلیسی با هم آهنگی یکدیگر، به شبه‌نظامیان ملیون در کرمانشاه و همدان حمله کردند و پس از ماه‌ها جنگ و گریز سرانجام ملیون شکست خوردند و بسیاری از آنان به ترکیه عثمانی و آلمان پناهنده شدند. سلیمان میرزا اسکندری در کرمانشاه به دست قشون انگلیس اسیر شد که او را به هندوستان تبعید کردند. باقرخان سالار ملی که پس از واقعه‌ی پارک اتابک و تیرخوردن ستارخان، در تهران به گوشه‌نشینی مجبور شده بود، در حرکت و خیزش مهاجرین، همراه شد. باقرخان باعلیخان یاوراف و حسن آقا قفقازی به همراه چهار تن دیگر از یارانش که عازم قصر شیرین بودند تا به مهاجرین بپیوندند، در سر راه در دهی، شب خفته بودند که کردان راهزن به آنان هجوم آوردند و همه‌شان را در خواب سربردند.

حرکت ملیون در آن شرایط تاریخی اگر چه شکست خورد، اما

نقش برجسته‌ی ایستادگی و مقاومت و سرافرازی را در تاریخ انقلاب مشروطیت باقی گذاشت تا برای آیندگان به عنوان میراث ملی باقی بماند. میراثی که هم‌زمان با آن با خیزش نهضت جنگل در گیلان و قیام شیخ محمد خیابانی و حزب دموکرات او در تبریز ادامه یافت. اگر چه این خیزش‌ها شکست خوردند، اما راه‌شان ادامه یافت. ■



میرزا حسن خان مستوفی الممالک